

## تحلیلی از چرایی و چگونگی ورود معارف حسینی در شعر فارسی قبل و بعد از قرن چهارم

داوود اسپرهم<sup>۱</sup>

محمدعلی رحیمی<sup>۲</sup>

### چکیده

تا کنون در باره تاریخچه ورود رثاء امام حسین (ع) در شعر فارسی تحقیقات و پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ و در این تحقیقات قرن چهارم را نقطه آغازین ورود رثاء امام حسین (ع) در شعر فارسی دانسته اند و ضمن اینکه علت روی آوردن شعرا به مدح و رثاء اهل بیت را تشویقها و فرمایشات خود اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند، علت تأخیر ورود رثاء امام حسین (ع) در شعر فارسی را تا قرن چهارم؛ ایجاد خفقان توسط حکام ظالم زمان، از بین بردن شعر شیعیان فارسی زبان یا کوتاهی شعرای شیعی فارسی زبان ذکر کرده اند؛ که بر اساس مستندات تاریخی و تاریخ ادبیات فارسی در این مجال به نقد تک تک این نظریات و رد آنها پرداخته خواهد شد و ضمن تبیین علت اصلی نبود رثاء فارسی امام حسین (ع) تا قرن چهارم، با استناد به مطالب تاریخی و نظرات بزرگان تاریخ ادبیات فارسی، علت حقیقی و منطقی تر اشتیاق شعرا برای سرودن معارف حسینی و اهل بیت علیهم السلام در دوره های متأخرتر بیان شده است.

### واژگان کلیدی

امام حسین (ع)، قرن چهارم، رثاء، شعر فارسی، عشق، خفقان، اهل بیت

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی Email: D\_sparham@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی Email: gol87\_ali@yahoo.com

## طرح مسأله

حسین (ع) و کربلا اگر چه واژگانی هستند که بستر تولد هر دوی آنها زمین بوده، اما هیچ شباهتی به واژه های دنیایی و زمینی ندارند چرا که شهادت ابی عبدالله الحسین با هیچ یک از معادلات دنیای خاکی قابل سنجش نبوده و نیست. این اتفاق بزرگ تمامی عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ادبی مسلمانان را تحت تاثیر عظمت خود قرار داده است. در این میان یکی از عرصه هایی که نه تنها تحت تاثیر این حادثه بزرگ قرار گرفته بلکه در رسیدن به آرمان های خود از آن یاری گرفته شعر فارسی است. شعر فارسی در طول تاریخ خود به یاد نمی آورد که به غیر از حسین بن علی (ع) به کس دیگری این مقدار بها داده باشد. حسین (ع) و شهادت او انعکاس شایسته و دردمندانه ای در شعر فارسی داشته و طوری که شاعران فراوانی در طول تاریخ تمام زندگی ادبی خود را وقف اشاعه فرهنگ حسینی کرده اند. محققان و پژوهشگران دلایلی را برای اینگونه ابراز علاقه به شخصیت امام حسین (ع) قایل هستند که به بررسی این دلایل می پردازیم

### دلایل عشق و علاقه شعرا به رثاء امام حسین (ع)

عده ای بر این باورند که علت توجه شعرا به مدح یا رثاء امام حسین (ع) تشویق و ترغیب خود اهل بیت علیهم السلام بوده است. برای مثال؛ امام صادق (ع) در حدیثی فرموده اند: هر کس شعری برای حسین (ع) بگوید و پنجاه نفر را بگریاند، بهشت او راست. در پایان روایت نیز می فرماید هر کس شعری برای حسین (ع) بگوید و بگریاند و یا خود را غمگین نشان بدهد بهشت او راست (مجلسی، ۱۳۸۵: ۴۴/۲۸۵)

یا در باره ی شاعری که شعر برای اهل بیت علیهم السلام می سراید امام صادق می فرمایند: در شان و فضیلت ما بیت شعری گفته نمی شود مگر اینکه گوینده مؤید به تأیید الهی و روح القدس باشد [مجلسی، ۱۳۸۵: ۷۶/۲۹۱]

لذا برخی از محققان در آثارشان با اشاره به احادیثی از این دست، روی آوردن شعرا به مدح و رثاء حسین (ع) را فقط

مبتنی بر تشویق های اهل بیت علیهم السلام می دانند (خردنامه همشهری، ۹۸)

اما در این بحث توجه به دو نکته اساسی لازم و واجب است؛

۱- اگر چه نظریه فوق درست است اما اینکه دلیل فوق را دلیل اصلی سرودن شعر در رثاء ابی عبدالله الحسین (ع) بدانیم کمی جای تامل دارد. از آنجا که پرداختن به دلایل روایی یک مبحث، نیازمند بررسی کلیه روایات در آن مبحث می باشد لازم است که کلیه روایات و احادیثی که در آن زمینه از جانب معصومین (علیهم السلام) صادر شده مورد بررسی قرار بگیرد. پیرامون شخصیت سیدالشهدا (ع) مقام ایشان، شهادت، ارزش گریه کردن و زیارت ایشان روایات عدیده ای وجود دارد که در بخشی از این روایات دیده می شود که اهل بیت علیهم السلام کشش مؤمنان را به طرف مقام ایشان فطری می دانند و این عشق و علاقه به سید الشهداء را ودیعه ای می دانند از جانب خدا که در قلوب مومنین جای گرفته است. برای نمونه به چند روایت از این جنس اشاره می کنیم. امام صادق (ع) می فرماید: کسی که خدا خیرخواهش باشد محبت حسین (ع) و شوق زیارتش را در دل او می اندازد. (میزان الحکمه، بخش احادیث درباره حسین ع). در جای دیگر باز هم امام صادق (ع) می فرماید: از برای شهادت حسین (ع) حرارتی در قلوب مؤمنان است که تا ابد سرد نمی شود. (میزان الحکمه، ۱۳۸۸: ۶۵)

با توجه به دو دسته روایاتی که ذکر شد، باید کدام یک را دلیل منطقی تر دانست؟ آیا می شود محبت کسی در دلی باشد اما نیاز باشد به محب بگویند اگر محبوت را دوست داشته باشی به تو پاداش می دهیم. آن کدام نقاش عاشق است که نیاز داشته باشد به او بگویند که دل چسب ترین تصویری که می کشی سعی کن جمال یارت باشد. اساساً عاشق سوخته نمی تواند جز جمال یار تصویری رسم کند. او عاشق است و به جز یار به دیگری نمی اندیشد. مگر می شود محبت کسی در دل کسی باشد اما به ظهور و بروز نرسد. حسین (ع) شیعیانش را عاشق و مجنون خود کرده است.

حال اگر این محبت در دل هنرمندی چیره دست باشد روشن است که این محبت به هنرمندانه ترین شیوه ای که در توان آن هنرمند است جلوه گر خواهد شد آیا به کسی می توان گفت شاعر باش! یا بهترین شعر را بگو! بدون استعداد شعری. عشق هم باید خود بجوشد. شعر و شور و عشق جوششی است و نه فرمایشی. از این رو نیازی نیست به یک شاعر شیعه بگویی برای عاشورا بسرای و شعری برای ارباب بی کفن بگو و او صبح

عاشورا با زمزمه ی... برخیز که باز بوی خون می آید... بیدار می شود، با اشک هایی که از گوشه چشم هایش جاریست.

۲- نکته دیگری که جای بحث دارد در تفاوت‌های ادبیات شیعه با ادبیات مذاهب وادیان دیگر است در طول تاریخ ثابت شده است که شاعر شیعی تا پای جان متعهد مانده است. از آنجا که شاعر شیعی حقانیت مذهب شیعه را با گوشت و پوست و تمام اعضا و جوارح درک کرده و از سویی دیگر شاهد ظلم هایی باشد که بر اهل بیت علیهم السلام رفته پس خود را نسبت به آنها متعهد می داند و سرودن در راه ترویج مکتب حسینی را یک وظیفه می شمارد و در مدح و رثاء این خاندان رحمت و کرامت نه تنها به طمع دنیا نمی سراید بلکه بهشت هم نمی تواند بهانه سرودن او باشد. ما این حقیقت بزرگ را در ماجرای فرزندق و شعر سرودن اودر مدح امام سجاد در حضور هشام که دشمن اهل بیت علیهم السلام بود می بینیم که از جانش نترسید و بعد از آن هم حتی صلۀ امام سجاد را نمی پذیرفت [ما تفاوت فاحش ادب شیعیان، ادب خوارج، ادب اموی، ادب زبیری، ادب عباسی و امثال آن را ادله محکم و استوار شیعه بر حقانیت موضع و راه آن می دانیم که با عنایت به تاریخ خونبار صدر اسلام و عصر اموی و عصر عباسی عواطف شاعران شیعه در سه ناحیه ی خشم، خون و عشق جوشش یافت. خشم شاعران به دلیل ستمی که بر اهل بیت علیهم السلام رفت شعری در هجا و اجتماع و نقیضه پردازی را پدید آورد. اندوه و حزن نسبت به آلام و مصائب خاندان رسالت سوگ سرایی و مرثیه پردازی را دامن زد. عشق و محبت خاندان رسالت به خاطر فضایل و مناقب بی شمار ایشان منقبت سرایی و ستایشگری را برانگیخت] (شیخ الرئیس کرمانی، ۱۳۸۸: ۳۵)

شاعران شیعه اهل بیت علیهم السلام را مدح می کنند چون آنها را شایسته مدح و ثنا می دانند و در ظلمی که به آنها رفته اندوهگین اند و حتی نیازی نمی دانند که معصوم برای سروده آنها بهشت یا صلۀ ای مشخص کنند؛ اینکه بگوییم شعر سروده اند، چون آن بزرگواران آنها را با توصیه های خود تشویق کرده اند، نوعی کوچک جلوه دادن، تحقیر و اجحاف در حق شاعران مخلص شیعی می باشد و این شعر متعهد شیعه را بی ارزش جلوه می دهد. اما این مورد که شاعران شیعه فارسی زبان از چه وقت شروع به سرودن مدح و رثاء

امام حسین (ع) کردند جای بحث دارد که در این مقاله مفصلاً به آن پرداخته خواهد شد.

### ظهور و شروع رثاء امام حسین(ع) در شعر فارسی

[ اولین رثاء متعلق به حضرت آدم(ع) است که در رثاء هاییل سروده است. از نظر اکثر محققان پیشینه رثاء در زبان فارسی ریشه دار تر از زبان عربی است؛ سابقه رثاء در ادبیات فارسی به قدیمی ترین شاعر پارسی گوی یعنی به رودکی می رسد. رودکی در رثاء ابوالحسن مرادی و همچنین شهید بلخی که هر دو از شعرای قرن چهارم هستند] مرثیه سروده است. ( امامی، ۱۳۶۹: مقدمه) محققان معتقدند اولین رثاء حسین (ع) را کسایی مروزی در قرن چهارم سروده است و سوالی را مطرح می کنند که چرا قرن چهارم؟ یعنی حدود سیصد سال پس از شهادت حسین (ع) و دلایلی را برای این توقف و خلع ذکر کرده اند از جمله اینکه بنی امیه و اذناشان پس از شهادت حسین (ع) حکومت بلا منازع ممالک اسلامی را در دست گرفتند و از آنجا که دشمن خاندان پیامبر ص بودند خفقان فرهنگی سیاسی شدیدی ایجاد کردند. (حجازی، ۱۳۸۸: ۱۰۰؛ محدثی، ۱۳۸۳: ۸۳)

تاریخ به یاد می آورد در برهه ای از زمان بنی امیه کسی حق نداشت حتی نام علی (ع) را ببرد و چه بسا افرادی که فقط به جرم شیعه علی(ع) بودن کشته می شدند و برای از بین بردن نام علی(ع) و اولاد اطهرش هر کاری که از دستشان آمد دریغ نکردند که یکی از این اقدامات از بین بردن روایات آنان و جعل احادیث آن بزرگواران بود. در این بین روشن است که وقتی شیعه علی بودن برای کشته شدن کافست سرودن شعر در مقام او و فرزندانش چه حکمی خواهد داشت، اما محققان مشکلات اصلی شیعیان تا قرن چهارم را اینگونه بر شمرده اند:

- ۱- شیعیان گاهی کتابها و آثار و اشعار علوی را از ترس پنهان می کردند.
- ۲- برخی از آثار در دل خاک دفن می شد و از بین می رفت.
- ۳- بر فرض سرودن اشعار فارسی شاعران جرات آشکار کردن آن را نداشتند.
- ۴- شاید شاعران اهل بیت علیهم السلام انکار می کرده اند.
- ۵- برای حفظ جان برخی دانشمندان، شیعیان و شاعران به پنهانکاری، تقیه و پنهان شدن روی می آوردند.

۶- با مهاجرت‌های غمبار و پیوسته برای نجات جان زن و فرزندان شیعیان، آثار علوی نیز در بلاد پهناور آن روز پراکنده می‌شد.

۷- مرکزیتی برای جذب و جمع‌آوری آثار پراکنده علوی وجود نداشت و از طرفی این جمع‌آوری‌ها پس از پراکندگی به سفرهای مداوم و امکانات اقتصادی فراوان نیازمند بود. که در آن روزگاران با هجرت، سرگردانی، انزوا و فقر شیعیان ممکن نبود

۸- شعرای خود فروخته‌ای بوده‌اند که برای اندک صله و جایزه‌ای صدها بیت شعر در وصف پادشاهان و امرا می‌سروده‌اند و در مقابل شعرای پاک‌باخته‌ای بوده‌اند که به جرم حق‌گویی و دفاع از تشیع سر می‌باختند و زینت سر دار می‌شدند پس نه تنها تشویق و ترغیبی برای شعرای حسینی نبوده است بلکه تهدیدها و تکفیرهای دشمنان نمی‌توانسته آنان را بترساند همان شعرایی که برای سر مبارکشان جایزه مشخص می‌شد و چوبه دارشان همه جا برافراشته بود (همان: ۱۰۲)

خلاصه اینکه این حکام ظالم اگر توانشان اجازه می‌داد در گوشه گوشه دنیا حتی حق نفس کشیدن را از اولاد علی(ع) و محبانشان می‌گرفتند چه اینکه در دوره عباسی تخریب قبور اهل بیت علیهم السلام رواج پیدا کرد اما در قرن چهارم با روی کار آمدن آل بویه و تسلطشان بر دربار بغداد شیعیان به آزادی دست یافتند و با تشویق آل بویه دانشمندان و شعرای شیعه پر و بال گرفتند تا جایی که در خود بغداد مرکز حکومت عباسیان در روز عاشورا به صورت آشکارا برای حسین(ع) عزاداری کردند. به گونه‌ای می‌توان آل بویه را آغازگر فرهنگ شیعی دانست. (فقیهی، ۱۳۸۱: ۴۶۷)

### نقد و نظر

در صحت نظریات فوق‌شکی نیست و روشن است که خفقان فرهنگی سیاسی تا حدودی باعث رکود در آثار فرهنگی می‌شود.

ویداست جایی که بیم جان باشد خلق آثار هنری کاری دشوار است اما در مجموع به دلایلی که محققان مانع بروز و ظهور شعر فارسی در رثاء حسین(ع) تا قرن چهارم قائل هستند نقدی علمی به قرار زیر وارد است.

چرا تا قرن چهارم رثاء امام حسین(ع) وارد شعر فارسی نشده است؟

## دلایل موضوع

بررسی دلایل عدم ورود معارف حسینی در شعر فارسی تا قرن چهارم در دوبخش  
بررسی می شود:

### ۱- دلایل سیاسی

در این بخش بررسی می شود که تا چه اندازه جو سیاسی دوره مورد نظر و خفقان فرهنگی ضد شیعه تا چه حد توانسته از ورود رثاء حسین (ع) به شعر فارسی قبل از قرن چهارم جلوگیری کند. دلایل زبانی و تاریخی نیز به این معنی است که تاریخچه زبان فارسی در دوره مورد بحث مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

همانطور که در سطور گذشته یادآور شدیم برخی از محققان را اعتقاد بر این است که خفقان حاکم بر جامعه تا قرن چهارم یکی از دلایل اصلی است که مانع ورود رثاء حسین (ع) در شعر فارسی شده است و با برشمردن مشکلات شیعیان تا قرن چهارم اعتقادشان بر این است که شاعران شیعی فارسی زبان یا از ترس جان جرات سرودن شعر در رثاء حسین (ع) را نداشته اند، و یا اگر سروده اند شعرهایشان ازین برده شده و در کل مشکلات سیاسی و محدودیتهای حکام ظالم اجازه شکوفایی شعر شیعی فارسی را نداده است برخی نیز افسوس خورده اند که چرا شاعران فارسی زبان اینقدر دیر شروع کرده اند [مجله خلق، ۳۸۷: ۸/۳۲]

و دسته دیگر می گویند چون مردم ایران تا قرن چهارم سنی حنفی بودند شعری در رثاء حسین (ع) نداشتند. (کلینی، ۱۳۸۷: بخش نخستین)

به نظر می رسد بخشی از فرضیات بالایی اشکال است اما مستندات و وجود دارد که تاثیر گذاری فرضیات بالا را تضعیف کرده و به رد برخی از آنها منجر می شود.

### نقد و نظر

آنها که به سکوت شاعران شیعه در قرون اولیه اشاره کرده اند و دلایل این سکوت را نام برده و نهایتاً افسوس خورده اند باید توجه کنند که شعرای شیعه سکوت نکرده اند بلکه در راه پر افتخار دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام آثاری را خلق کرده اند که تا قیامت جزو آثار برجسته شعر شیعی مطرح و درخشان خواهد بود.

تاریخ و اسناد تاریخی موجود گویای آن است که نه فشارها، نه قتلها و تجاوزها، نه تبعید و تحقیر و نه سفاکی‌های حکام ظالم تا قرن چهارم هیچ سبب توقف، سکوت و نسرودن نشده است. بر عکس شعرای شیعه نه غم نان داشتند نه بیم جان. و اگر قرار بود خفقان موجود باعث توقف و سکوت شعرا شود نخست باید گریبانگیر شعرای عرب شده باشد در صورتی که فراوانند شعرای شیعی عرب که هم زندانی شده اند هم جان داده اند و هم پای معارف اهل بیت علیهم السلام ایستاده اند و شعر سروده اند. منابع متفاوت و بسیاری موجود است که در بدترین دوران امویان و عباسیان از شعرایی نام می برد که باشجاعت مثال زدنی در رثاء ابا عبدالله الحسین و اهل بیت علیهم السلام شعر سروده اند و نه طمع صله داشته اند نه به طمع بهشت سروده اند. شایان ذکر است در همین ارتباط پژوهشی با عنوان التزام والزام در شعر شیعی عصر اموی در سالهای نه چندان دور به انجام رسیده که دوره ای را در عصر اموی به بحث پیرامون شعرای شیعه پرداخته است. (برجی، ولی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز)

یعنی در آن عصر خفقان محض آنقدر شاعر شیعی متعهد وجود داشته که توانسته پژوهشی گسترده را به خود اختصاص دهد یعنی خفقان و ظلم بنی امیه آن هم در آن سطح وسیع نتوانسته جلو رشد و شکوفایی شعر شیعی را بگیرد. یا اثر ارزشمند دیگری را در این زمینه می توان نام برد که گزیده ای از شعرای شیعه و شیعه گرا را در عصر اول عباسی نام می برد یعنی از سال ۱۳۲ه.ق سال سقوط بنی امیه تا سال ۲۳۲ه.ق یعنی آغاز خلافت متوکل گردآوری شده است. صد سال اول عباسیان که بدترین و سیاه ترین دوران ظلم پسران عباس و همانطور که نویسنده این اثر ارزشمند نوشته اینها فقط گزیده ای از این شعرای متعهد و جان برکف است. (شیخ الرئیس کرمانی، نقل از پگاه حوزه، ۲۶۹)

نویسنده محترم این کتاب در بخش پنجم کتاب نام نه شاعر شیعه یا شیعه گرا را با بخشی از اشعارشان آورده است. این به این معنی است که حتی در سیاه ترین دوران حکومت دشمنان آل علی (ع) بوده اند آزاد مردانی که به عشق ترویج معارف خاندان علی ع بپردازند. نویسنده محترم کتاب مذکور در خطوط پایانی کتاب می نویسد [همانگونه که حق اهلیت گرامی رسول خدا (ص) ضایع گردید و آن پرچمداران عدل و انصاف مورد



ظلم و بی انصافی قرار گرفتند شعرای شیعه نیز چه در زندگی و چه پس از مرگ مورد تضییع حق و شتم قرار گرفتند. در زندگی محرومیت از مزایای اجتماعی، تبعید و آوارگی و در نهایت مرگ مظلومانه یا شهادت را پذیرفته اند. پس از مرگ نیز از تعصب و عناد راویان و تاریخ ادبیات نویسان به دور نمانده اند و در مواردی نام آنان از ردیف شاعران حذف شده و در مواردی با کلمات زشت و توهین آمیز از آنان یاد شده] ( شیخ الرئیس کرمانی، ۱۳۸۸: ۲۶۹) اما سندی دیگر بر رد این نظریه که به نظر سند جالب توجهی است. در سطور قبل خواندیم که محققان معتقدند که خفقان قتل و کشتار حکام ظالم اجازه نداد که شاعران فارسی زبان رثاء ابی عبدالله الحسین(ع) را وارد شعر فارسی کنند و یا اگر سرودند در خفا بود ما سندی را از همین صاحب نظران ارائه خواهیم کرد که دقیقاً با نظر قبلی مخالف و این فرضیه را تایید می کند. در مقاله ای با عنوان «بازتاب حماسه عاشورا در شعر بعضی از شعرای عرب» نویسنده محترم در موضعی دقیقاً عکس نظریه قبل - خفقان حکام قبل از قرن چهارم - را بازدارنده شعرای شیعه نمی داند و در بخشی از این مقاله آورده: [شاعران عرب در قرون اولیه پس از عاشورا با بیان معانی حسینی و حمایت از قیام حضرت در شعر و ادب دلاورانه وارد عرصه شدند کمیت اسدی، سید حمیری، و دعبل خزایی، منصور نمری و عبدی کوفی و ده ها تن شاعر دیگر کوشیدند این مشعل را فروزاتر کنند و مظلومیت آل علی (ع) و ستم آل ابوسفیان را هر چه بیشتر نشان بدهند. و با اینکه سرودن چنین اشعاری در آن روزگار بیم جان در پی داشت. نه امید نان شاعران شیعی برای رضای خدا از مرگ نهراسیدن] (حجازی، ۱۳۸۷: ۲۳/۲۰۴)

نویسنده محترم در ادامه آورده است [مقابله و فشار حکومتها نه تنها از رشد و انتشار شعر حسینی نکاست که بر حرارت و سوز آن افزود به گونه ای که شعرای شیعی با از جان گذشتگی و اخلاص به این فن روی آوردند با توجه بدین نکته که این دسته از شاعران همیشه در مخاطره بودند و شعر را برای تبلیغ عقیده خود می سرودند نه براتی سرو سامان دادن به دنیای خویش و شمار این ابیات از جهت کمیت درخور توجه است (همان: ۲۰۵)

سوال اینجاست آیا اگر ظلم و خفقانی باشد برای شاعر عرب و شاعر فارس زبان فرقی می کند. آیا اگر حکام عرب ظالم بر حکومت مسلط باشند کدام شاعران باید بیشتر

مورد ظلم و اسیر خفقان باشند. هر چه باشد جای شک نیست که شاعران عرب از این ظلم مستثنی نیستند چه اینکه بیشتر هم مورد ظلم خواهند بود. پس این غیر ممکن است که در یک دوره سیاه ظلمانی خفقان موجود سبب عدم رشد شعر شیعی فارسی شود و در همان زمان سبب رشد و شکوفایی شعر شیعی عرب با شاعران متعدد شود. این دور از ذهن می نماید چطور ممکن است که شاعران عرب که در مرکز حکومت و زیر گوش حاکم ظالم هستند بتوانند با سروده هایشان با حاکم ظالم به مبارزه پردازند. اما شاعران فارسی زبانی که از مرکز حکومت نیز دور هستند نتوانند در مخالفت با حاکم شعر بسرایند به نظر می رسد این فرضیه کمی دور از عقل و منطق باشد. از بررسی این مسائل چنین برداشت می شود که دلایل عدم ورود رثاء حسین (ع) را نمی توان در دلایل سیاسی جستجو کرد و احتمالاً نبود شعر فارسی در رثاء ابا عبدالله الحسین ارتباط چندانی با وضعیت سیاه فرهنگی آن دوره نداشته باشد چرا که اگر شاعر شیعی فارس زبان سکوت می کرد باید شاعران عرب شیعی نیز سکوت می کردند که ما دیدیم چنین نبوده و در جواب آنها که عدم وجود شعر فارسی در رثاء حسین (ع) را حنفی مذهب بودن ایرانیان می دانند دیدیم که ما شاعران سنی شیعه گرا هم داشته ایم که اهل بیت علیهم السلام مدح کرده اند.

اما اینجاسوال مهمی پیش می آید. اگر ستمهای سفاکانه حکام ضد شیعی تا قرن چهارم دلیل نبود شعر فارسی در رثاء سید الشهداء نیست پس به کدام دلیل تا قرن چهارم خبری از شعر فارسی در این ارتباط دیده نمی شود. حال که با بررسی شواهد سیاسی - فرهنگی دوره مورد نظر نمی توانیم به جواب فرضیه برسیم. بهتر آن است که به دنبال دلایل زبانی بوده و تاریخ زبان فارسی را مورد بررسی قرار دهیم و جای دارد تاریخچه زبان فارسی یا بهتر بگوییم تاریخچه آغاز شعر فارسی مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲- دلایل زبانی و تاریخی :

به نظر می رسد تمامی آنها که معتقدند شاعران فارسی زبان تا قرن چهارم در رثاء حسین (ع) سکوت کرده اند و آنها که معتقدند خفقان حکام ظالم اجازه علنی شدن رثاء حسین (ع) در شعر فارسی را تا قرن چهارم نداد یا اینکه اعتقاد دارند شاعران شیعی فارس تا قرن چهارم کوتاهی کرده اند و نهایتاً آنها که بر این باورند که شعر شعرای شیعه از بین برده

شده تا بگویند شیعه ریشه ندارد و اینکه] تاریخ قم نقل می کند که در شهر قم صد و سی شاعر شیعه فارس زبان و عرب زبان وجود داشته که (این یا مربوط به بعد از قرن چهارم است یا به دلایلی که خواهیم گفت امکان پذیر نیست) [مجاهدی، ۱۳۸۷: ۳۲/۸]

به نظر می رسد همه و همه این دوستان به دلایل زبانی و تاریخی شعر فارسی عنایتی نداشته اند تا ببینند در دوره مورد بحث آیا زبان فارسی فعلی شکل گرفته بوده یا خیر و اصلا تاریخ تولد این زبان فارسی و شعر فارسی از چه زمان است

تاریخچه آغاز و رواج زبان فارسی فعلی [چنانچه می دانیم منشا زبان فارسی کنونی ابتدا خراسان بزرگ و نواحی شمال شرقی ایران بوده است و بسیاری از شعرا و نویسندگان سده های چهارم تا هفتم هجری از مردم این بخش ایران بزرگ بوده اند] (آریا، ۱۳۷۵: ۳۵/۲) منظور از خراسان بزرگ خراسان ایران و بخش اعظمی از افغانستان و کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق که در شمال شرقی ایران قرار گرفته می باشد و اگر چه منشا زبان فارسی را از آن منطقه می داند اما می بینیم که شعرای قرن چهارم تا هفتم از آن منطقه می باشند. تواریخ زبان فارسی همه بر این مهم اتفاق نظر دارند که تا اواخر قرن ششم مردم نواحی مختلف ایران هر کدام به گویشهای محلی خود صحبت می کرده اند و هر یک از استانهای ایران به گویشی جدا حرف می زده اند [تا آغاز قرن هفتم هجری هنوز زبان فارسی دری میان عامه مردم نواحی مرکزی و غربی ایران به عنوان زبان محاوره رواج نداشت و سر زمین فارس هم از این امر مستثنی نبوده (فارس کنونی) و مردم این نواحی به گویشهای محلی خود سخن می گفته اند] (خانلری، ۱۳۶۹: ۷۶۲/۲)

شعر گفتن به این لهجه (فارسی کنونی) که خود را برای تبدیل به زبانی مستقل آماده می ساخت در اواسط قرن سوم هجری شروع شد سپس کما بیش یک قرن بعد از آن نثر نویسی آغاز گشت (خطیبی، ۱۳۷۵: ۱۲۴)

از مطالب بالا چنین بر می آید تا قبل از اواخر قرن سوم که مورد بررسی ماست اصلا زبان فارسی کنونی متولد نشده بوده یعنی در هیچ نقطه از ایران این زبان به شکل و شمایل فعلی به عنوان زبان ادبی یا محاوره رواج نداشته که ما انتظار داشته باشیم این زبان شعری داشته باشد که رثاء حسین (ع) را در اشعار فارسیشان بیاورند. اما [زبان فارسی دری به تدریج

از اوایل قرن چهارم هجری مقام رسمی و ادبی راکسب کرد. در این مدت نه تنها گویشهای سرزمینهای شرقی ایران بلکه کم کم گویشهای مرکزی و غربی هم تحت تاثیر آن قرار گرفتند با وجود این گویشهای شرقی و حتی مرکزی و غربی هم در فارسی دری بی تاثیر نبودند و از این جهت برغناي آن افزوده شد. (همان: ۶۰۱)

یعنی از اواسط قرن چهارم به بعد تازه زبان فارسی فعلی مقام ادبی داشته و این به این معنیست که حتی آن زمان هم این زبان، زبان محاوره و رایج بین مردم نبوده و همانگونه که در بالا ذکر شد از اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم زبان محاوره مردم شده است و اگر آثاری قبل از این تاریخ در کتب مختلف و آثار زبانهای دیگر از زبان فارسی پیدا شده است ناچیز و کم ارزش تلقی می کند چرا که [قدیمی ترین آثاری که از فارسی دری مانده است گذشته از کلمات و عبارتهای کوتاه و بعضی مصرعها و بیتها که در تواریخ عربی و آثار فارسی ادوار بعد ثبت شده از میانه قرن چهارم هجریست] [دهخدا، لغت نامه، مدخل: دری] اگر بخواهیم نشانی دقیقتری بدهیم و بخواهیم بدانیم که از کدام روزگار به صورت رسمی و جدی از زبان فارسی دری استفاده شده باید به دوره تاریخی غزنویان اشاره کرد [در روزگار غزنویان فارسی دری زبان ادبی کشور شد و صدها شاعر و نویسنده ایرانی به زبان ملی خود شعر سرودند] (همان)

اگر به تاریخچه پیدایش شعر فارسی هم رجوع کنیم این حقیقت بیشتر و بهتر ثابت می شود. در تاریخ پیدایش شعر فارسی منهای آنها که فقط بیتی یا ابیات کمی به آنها منسوب است رودکی متوفای ۳۲۹ ه. ق به پدر شعر فارسی معروف است و معتقدند که او اولین شاعر فارسی زبان است که از او ابیات و قصایدی باقی مانده است. البته او هم اهل خراسان بزرگ است (سمرقند) اگر چه ابو حفص سغدی نیز به همراه بسام کرد به عنوان شعرگویان نخستین نام برده شده اند اما به حق می توان رودکی را پدر شعر فارسی و آغاز گر آن دانست که در اوایل قرن چهارم وفات یافته اما بنا به مستندات تاریخی حکیم کسایی مروزی متولد ۳۴۱ ه. ق اولین کسی است که در رثاء حسین (ع) و معارف شیعی شعر سروده است. و همه را اتفاق نظر بر این است. کسایی مروزی نیز اهل مرو می باشد که آنهم جزو خراسان بزرگ زادگاه زبان فارسی کنونیست. همعصر بودن تقریبی کسایی با رودکی و

تولد شعر پارسی این حقیقت را نشان می‌دهد که رثاء امام حسین (ع) در شعر فارسی تقریباً با تولد شعر فارسی همزمان است و گویای این مهم است که شاعران فارسی زبان شیعه رثاء امام حسین را به عنوان اولین مضامین وارد شعر فارسی کرده‌اند. و با سرودن از حسین و کربلا مشق عشق کرده‌اند.

واگر چه مذهب عموم حکام مذهب اهل تسنن بوده و عموم مردم برمذهب تسنن بوده‌اند. اما این نتوانست از رشد شعر شیعی جلوگیری کند. نویسنده محترم مقاله (مروری بر منقبت امامان (ع) در شعر فارسی) در بخشی از مقاله خود آورده است: [پرسش مهم این است که نخستین بار چگونه این احساس و عاطفه پر دامنه در زمینه سرایش شعر ستایش و مرثیه به شیعیان و علاقه‌مندان به اهل بیت علیهم السلام به میان عجمان و فارسی‌زبانان انتقال یافت. بدون تردید شعر فارسی از آغاز فعالیت خود در قالب فارسی نو کوشیده است تا مضامین اشعار عربی و از جمله همین موضوع ستایشگری را در خود جای دهد و به طور طبیعی شیعیان را که عمیقاً به اهل بیت علیهم السلام عشق می‌ورزیدند به سرایش شعر فارسی دربارهٔ اهل بیت علیهم السلام وادارد] (جعفریان، ۱۳۸۲: ۸۸)

اگر چه این تنها جایی است که به صورت خیلی گذرا در آثار محققین دیده شده که به تولد همزمان شعر فارسی و رثاء حسین (ع) در یک زمان اشاره شده اما در اینکه کسانی مروزی که رثاء امام حسین (ع) را در شعر فارسی وارد کرده جزو اولین شاعران فارسی زبان است شکی نیست.

اما قصیده زیبای کسانی در رثاء سید و سالار شهیدان بر اسلوب قصاید زمان خودش با وصف طبیعت آغاز می‌شود اما پس از چند بیت از مدح و تعزّل رویگردان می‌شود و با اندوه و غم به سوگسرای روی می‌آورد که در این بخش گزیده‌ای قصیده زیبای او را که اولین رثاء حسین (ع) در شعر فارسی است می‌آوریم:

باد صبا در آمد فردوس گشت صحرا	آراست بوستان را نیسان به فرش دیبا
آمد نسیم سنبل با مشک و با قرنفل	آورد نامه گل باد صبا به صهبا
دشت است یا سترق باغ است یا خورتق	یک با دگر مطابق چون شعر سعد و اسما
گلزار با تأسف خندید بی تکلف	چون پیش تخت یوسف رخساره زلیخا

گل باز کرده دیده باران برو چکیده  
وان نرگس مصور چون لؤلؤ منور  
عالم بهشت گشته عنبر سرشت گشته  
کاین مشکبوی عالم وین نوبهار خرم  
بیزارم از پیاله وز ارغوان و لاله  
دست از جهان بشویم عزّ و شرف نجویم  
میراث مصطفی را فرزند مرتضی را  
آن نازش محمد پیغمبر مؤبّد  
آن میر سربریده در خاک خوابیده  
تنها و دلشکسته بر خویشتن گریسته  
از شهر خویش رانده وز ملک بر فشانده  
مجروح خیره گشته ایام تیره گشته  
بیشرم شمر کافر ملعون سنان ابتر  
آن کور بسته مطرد بی طوع گشته مرتد  
صفین و بدر و خندق حجت گرفته با حق  
پاکیزه آل یاسین گمراه و زار و مسکین  
آن پنجم ماهه کودک باری چه کرد و یحک!  
آن زینب غریوان اندر میان دیوان  
مؤمن چنین تمنی هرگز کند؟ نگو، نی!  
تخم جهان بی براین است و زین فزون تر  
بر مقتل ای کسای برهان همی نمایی  
مؤمن درم پذیرد تا شمع دین بمیرد  
تا زنده ای چنین کن دل‌های ما حزین کن

چون خوی فرو دویده بر عارض چو دیبا  
زر اندر و مدور چون ماه بر ثریا  
کاشانه زشت گشته صحرا چو روی حورا  
بر ما چنان شد از غم چون گور تنگ و تنها  
ما و خروش و ناله کنجی گرفته مأوا  
مدح و غزل نگویم مقتل کنم تقاضا  
مقتول کربلا را تازه کنم توگدا  
آن سید ممجد شمع و چراغ دنیا  
از آب ناچشیده گشته اسیر غوغا  
از خان و مان گسسته وز اهل بیت آبا  
مولی ذلیل مانده بر تخت ملک مولی  
بدخواه چیره گشته بی رحم و بی محابا  
لشکر زده برو بر چون حاجیان بطحا  
بر عترت محمد چون ترک غز و یغما  
خیل یزید احمق یک یک به خویش کوشا  
وان کینه های پیشین آن روز گشته پیدا  
کز پای تا به تارک مجروح شد مفاجا  
آل زیاد و مروان نظاره گشته عمدا  
چونین نکرد مانی، نه هیچ گبر و ترسا  
کهنتر عدوی مهتر نادان عدوی دانا  
گر هم بر این پایی بی خار گشت خرما  
ترسا به زر بگیرد سمّ خر مسیحا  
پیوسته آفرین کن بر اهل بیت زهرا  
(دیوان. تصحیح ریاحی)

از تامل در ساختار این قصیده نیز به راحتی می توان نتیجه گرفت که این شعر اولین شعر رثاء امام حسین است چرا که به لحاظ زیبا شناسی و اسلوب شعر قصیده فوق تقریبا خالی از آرایه های زیبا شناسی است و اگر چه به سبک اشعار زمان خود سروده شده اما با کمی تامل پیداست کمی ناپخته می نماید هرچند رثاء اول است اما ارزشی آسمانی دارد همانگونه که گذشت کسایی نیز از شعرای خراسان محسوب می شود و شاعر بعدی که ثناء امام حسین را در شعر فارسی آورده ناصر خسرو و باز اهل خراسان است که مهر تایید است بر این حقیقت که زبان فارسی فعلی متولد خراسان است و در ابتدا دیگر نقاط ایران از آن بی بهره بوده اند اما به گواهی تاریخ زبان دولتی و حکومتی تا قرن چهارم و بعد از آن زبان عربی بوده است در ایران شاعران عرب زبان ایرانی مثل ابو نواس اهوازی ۱۹۶ه.ق و ابراهیم بن عباس ۱۷۶ه.ق اهل خراسان که هر دو در مدح اهل بیت(ع) شعر به زبان عربی دارند و از شعرای عرب زبان ایرانی قبل از قرن چهارم باز هم هستند که مدح اهل بیت(ع) گفته باشند و این حجتی است بر این حقیقت که شعرای ایرانی شیعه نه سکوت کرده اند و نه ترسیده اند و به استناد تاریخچه زبان فارسی که میگوید نقاط مختلف ایران قبل از قرن چهارم به گویشهای محلی خود صحبت می کرده اند و حتی فارس هم گویش محلی غیر از فارسی کنونی داشته است و می توان گفت اگر در آن مناطق گویش و خطی به غیر از خط عربی رواج داشته احتمالا به آن خط مدح و رثاء اهل بیت(ع) مخصوصا امام حسین(ع) نیز موجود باشد که آن خود به تحقیق و پژوهشی مفصل نیاز دارد که اگر لطف خدا و مدد حسین(ع) شامل شد در فرصتی دیگر و مجالی دیگر مفصلا به آن خواهیم پرداخت.

### نتیجه گیری

نتیجه ای که از مبحث ابتدایی این بحث حاصل شد این است که اگر چه سفارشات اهل بیت(ع) در سرودن شعرهای اهلیتی بی تاثیر نبوده اما شعرای شیعه به سبب محبتی که نسبت به حسین(ع) در وجودشان شعله ور بوده نه به طمع دنیا و نه به بهانه بهشت رثاء حسین(ع) را سروده اند. و خواسته یا نا خواسته اینگونه طرز فکر به تحقیر و بی ارزش جلوه کردن سروده های عاشقانه شعرای شیعه می انجامد در مرتبه دوم برخلاف نظر تمام آنها که

معتقدند به علت خفقان حکام ظالم تا قرن چهارم شعرای شیعه فارسی زبان در سرودن رثاء حسین (ع) سکوت کرده‌اند یا اشعارشان را پنهان کرده‌اند یا اینکه اشعار شیعی فارس را از بین برده‌اند بر اساس مستندات موجود تاریخی ثابت شد که خفقان موجود هیچ مانعی بر سر رشد و نمو شعر فارسی شیعی نبوده است چرا که وجود ده‌ها شاعر عرب زبان شیعی که در سیاه‌ترین دوره در رثاء حسین (ع) سروده‌اند دلیلی بر ناتوانی حکام ظالم در کنترل و یا نابودی آزادی و آزادگیست و اگر بنا بود خفقان موجود سبب عدم رشد شعر فارسی شود باید شعرای عرب هم با چنین محدودیتهایی روبرو بشوند که وجود شعرای شیعه عرب گویای حقیقتی غیر از این می‌باشد و علت اصلی نبود شعر فارسی در رثاء حسین (ع) راتاقرن چهارم به استناد تاریخچه زبان فارسی در عدم وجود زبان فرسی دانستیم و ثابت شد که در دوره مورد بحث یعنی قرن چهارم اصلاً زبان فارسی فعلی در نقاط ایران رواج نداشته و چه در زبان ادبی چه در زبان محاوره مردم رایج نبوده که انتظار داشته باشیم قبل از قرن چهارم نیز شعر فارسی در رثاء حسین (ع) داشته باشیم اما در همان زمان چون خط عربی در ایران رواج داشته بوده‌اند شعرای عرب زبان ایرانی که در مدح و رثاء اهل بیت علیهم السلام شعر سروده باشند.



### فهرست منابع

- امامی، نصرالله (۱۳۶۹)، *مرثیه سرایی در ادبیات فارسی*، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- برجی، ولی، (۱۳۸۲)، *التزام والتزام در شعر شیعی عصر اموی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- شیخ رئیس کرمانی، (۱۳۸۸)، *پگاه حوزه، نگاهی به کتاب شعر شیعه و شعرای شیعه گرادر عصر اول عباسی*، دوهفته نامه، شماره ۲۶۹، سازمان تبلیغات اسلامی.
- محدثی، جواد، (۱۳۸۳)، *خردنامه روزنامه همشهری*، شماره ۳۶.
- خطیبی، حسین (۱۳۷۵)، *فن نثر در ادب پارسی*، انتشارات زوار، تهران.
- مجاهدی، محمد علی، (۱۳۸۷)، *دو ماهنامه خلق*.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰)، *نعت نامه*، نشر دانشگاه تهران، تهران.
- ری شهری، محمد (۱۳۸۸) *میزان الحکمه تک جلدی*، انتشارات دارالحدیث، قم.
- حجازی، علی رضا، (۱۳۸۶)، *فصلنامه شیعه شناسی*، شماره ۲۰، سیرتاریخی شعر شیعه؛ حجازی علیرضا و شماره ۲۳، پاییز ۸۷، ص ۲۰۴، حجازی علیرضا، محمد زاده مرضیه.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۲)، *فصلنامه مشکوه*، شماره ۷۸، بهار ۸۲، مروری بر منقبت امامان (ع) در شعر فارسی.
- آریا، غلامعلی، (۱۳۷۵)، *فصلنامه نامه پارسی*، شماره ۲، مقاله آغاز شعر فارسی دری در سرزمین فارس.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۸۱)، *تاریخ آل بویه*، انتشارات سمت، تهران.
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۷) *شرح منظومه ظهیر*، نشر کانون عاشورا، تهران.
- کسایی مروزی (۱۳۷۹)، *دیوان تصحیح ریاحی*، محمد امین، انتشارات علمی، تهران.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۵) *بحار الانوار*، نشر فقه، قم.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۹)، *تاریخ زبان فارسی*، جلد دوم، انتشارات سیمغ، تهران.